

گزارشِ سُرخ و آبیِ آمیبِ سبز / /

ولینا مینکوف /

فرید قدمی /

اودیسه ۴۴

www.ketab.ir



نشر هیروند

مراکز فروش /



انتشارات هیرمند / تهران / میدان پونک / مجتمع بوستان / راهروی اداری / واحد ۷۲۳

www.hirmandpublication.com/ ۴۴۱۴۰۰۵



شهرکتاب بوستان / تهران / میدان پونک / مجتمع بوستان / دور رینگ مرکزی

www.bbookcity.com/ ۴۴۹۸۳۴۵

سرشناسه/مینکوف، ولینا، ۱۹۷۴-م. Minkoff, Velina, 1974- عنوان و نام پدیدآور/ گزارش سرخ و آبی آمیب
سبز/ ولینا مینکوف/ ترجمه‌ی فرید قدمی/ مشخصات نشر: نشر هیرمند، ۱۴۰۱/ مشخصات ظاهری/ ۲۹۱ ص/
۲۱/۵x۱۴/۵ س/م/ شابک/ ۵-۷۸۷-۴۰۸-۹۶۴-۹۷۸/ یادداشت: عنوان اصلی: Le Grand Leader doit venir nous
2018 // voir/ موضوع/ داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۱م. // English fiction - 21th century/ شناسه افزوده/
قدمی، فرید، ۱۳۶۴ - 730 Ghadami, Farid/ رده‌بندی کنگره/ PZ4/ رده‌بندی دیویی/ ۸۱۳.۹۹

عنوان و نام پدیدآور / گزارش سرخ و آبی آمیب سبز/ ولینا مینکوف

مترجم / فرید قدمی

چاپ اول / ۱۴۰۱

شمارگان / ۱۰۰۰ نسخه

قیمت / ۹۰۰۰ تومان

شابک / ۵-۷۸۷-۴۰۸-۹۶۴-۹۷۸

صفحات/رای / نشر هیرمند

طراحی جلد / هیرمند استودیو / @hirmandstudio

چاپ + صحافی / چاپ هیرمند

همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۹	پیشگفتار نویسنده بر ترجمه‌ی فارسی
۱۳	فصل اول
۲۹	فصل دوم
۲۴۹	فصل سوم

www.ketab.ir

پیشگفتار نویسنده بر ترجمه‌ی فارسی

خوانندگان عزیز ایرانی،

خوشحالم که از میان صفحات رمان بلغاری‌ام با ترجمه‌ی فارسی فرید قدمی به شما سلام می‌کنم. می‌خواهم از شما دعوت کنم که وارد داستان شوید و اجازه دهید شخصیت اصلی رمان من، الکساندر، که نوجوان بلغاری پر شر و شوری است، شما را به سفری در زمان و جغرافیا ببرد. سال ۱۹۸۹ است، پرسترویکا^۱ در جایی که پیش از این «جمهوری خلق بلغارستان» نامیده می‌شد در حال حرکت است و الکساندر را سفری را در سراسر اتحاد جماهیر شوروی و دی‌پس آن آغاز می‌کند (بله، همان کره‌ی شمالی، اما ما آن را آن وقت‌ها DPRK می‌خواندیم، نه کره‌ی شمالی) و درست سر وقت به بلغارستان باز می‌گردد تا شاهد سقوط کمونیسم در اروپای شرقی باشد. این رمان از بسیاری از ماجراها و داستان‌های واقعی الهام گرفته شده، اما در نهایت خصیصه‌ی داستانی بر اثر مسلط شده و آن را بدل به کپسول زمانی عجیبی، در قالب دفتر خاطرات شخصی یک نوجوان، کرده است، مملو از تمام ویژگی‌های خاص زندگی روزمره در دنیای جنگ سرد.

در عنوان اصلی رمان، آمیب به رنگ سبز است و مداد شیمیایی هم به رنگ‌های قرمز و آبی: همه از رنگ‌های ملموس و اصلی، همان‌طور که دختری ۱۳ ساله با

۱. Perestroika/перестройка: جنبش اصلاحات اقتصادی و سیاسی گورباچف در سال ۱۹۸۵ که هدف اصلی‌اش سازگاری اقتصاد شوروی با اقتصاد جهانی سرمایه‌داری بود و بدون حزب کمونیست شوروی شکل گرفت.

ساده‌انگاری مسائل پیچیده‌تر را درک می‌کند. در بلوک سوسیالیستی پیش از سال ۱۹۸۹، همه‌ی کودکان در آن سن و سال بخشی از سازمان پیش‌آهنگی بودند و مدتی را در اردوگاه‌های تعطیلات پیش‌آهنگی، ملی یا بین‌المللی، سپری می‌کردند. نظم و انضباط و آموزش ایدئولوژیک در آن اردوها بسیار جدی بود، اما خوب، بچه‌ها هم روحیه‌ی خلاق خودشان را دارند و ما هم همیشه موفق می‌شدیم سیستم را دور بزنیم و اوقات خوشی برای خودمان بسازیم.

این دنیایی بود که من در آن به دنیا آمدم و حالا که به گذشته نگاه می‌کنم، یکی از احمقانه‌ترین چیزهایی که از آن دوران در خاطرم ظاهر می‌شود این است که چگونه من، که آن‌روزها ۱۳ ساله بودم، به یک کمپ بین‌المللی پیش‌آهنگی در کره (آن‌هم شمالی‌اش، میان این همه جا توی دنیا) فرستاده شدم. چند سال پیش، دفتر خاطرات اردوگاهم را پیدا کردم و نوشته‌های کودکانم را آنقدر سرشار از تصورات اشتباه یافتم که ناگهان طنز دراماتیک آن یادداشت‌ها الهام‌بخش من برای نوشتن این رمان شد. واقعاً عجیب است: ارمغان آن خاطرات برای من عمده‌تأ تصاویری قوی از نحوه‌ی بازگشت همه‌چیز به خانه برای ما بلغارها بود، و همین طرح اصلی رمان را تعیین کرد: بلغارستان کهنه‌ی سوسیالیستی از سویی و بلغارستان تازه‌ی پس‌اسوسیالیستی از سویی دیگر. و سفر به اردوی تابستانی کره نوعی پل میان این دو است، حبابی تقریباً خیالی پر از تصاویر ممکن و ناممکن. اگرچه بیشتر رمان در کره‌ی شمالی می‌گذرد، اما این کتاب رمانی درباره‌ی کره‌ی شمالی نیست، بلکه رمانی است درباره‌ی دوران کودکی ما در کشورهای سوسیالیستی؛ به‌طور دقیق‌تر، نوعی مجموعه‌ی متحرک از یادگاری‌های ملموس و ناملموس از دورانی که نقشه‌ی جهان بسیار متفاوت بود.

اما در این میان آنچه واقعاً جذاب است راهی است که رمان من پیمود تا سرانجام به دست شما برسد.

وقتی در تابستان ۲۰۱۹ در سوفیا (پایتخت بلغارستان) با فرید قدمی آشنا شدم، او مشغول ترجمه‌ی داستان‌های کوتاهی از نویسندگان معاصر بلغار بود تا در مجموعه‌ای آن‌ها را کنار هم گردآورد. آن روز، حتا تصور تحقق این ایده بسیار

نویدبخش بود: داستان‌های ما به فارسی منتشر می‌شدند، به زبانی که به نظر بسیار زیبا می‌آمد، اگرچه کاملاً برامان نامفهوم بود و صفحات کتاب‌هایش در جهتی مخالف کتاب‌های ما ورق می‌خورد. کتاب «پس از کمونیسم» به لطف فرید، این جوان همیشه‌خندان و مهربان و خونگرم از کشوری که هیچ چیزی ازش نمی‌دانستم (همچنان که تا به حال هیچ ایرانی‌ای را از نزدیک ندیده بودم)، اکنون به واقعیت بدل شده است. گلچین او از نویسندگان بلغاری درخشان است و من از این که داستان‌هایم را در چنین جمع خوبی می‌بینم خوشحالم. بیشتر نویسندگانی را که در این کتاب حضور دارند شخصاً می‌شناسم، برخی‌شان از دوستان من‌اند و برخی دیگر را هم به لطف فرید شناختم. فرید بلافاصله برای همه‌ی ما در بلغارستان به دوستی عزیز بدل شد، طوری که همه‌مان احساس می‌کردیم که انگار در تمام طول زندگی‌مان او را می‌شناختیم. در طول اقامتش در خانه‌ی ادبیات و ترجمه‌ی سوفیا در خیابان لاتینکا او همه‌ی ما نویسندگان کتاب را دور هم جمع کرده بود، طوری که انگار کتاب خودش هم به موجودی زنده بدل شده بود. آن روزها نمی‌دانستیم که همه‌ی ما بخشی از کتابی دیگر نیز خواهیم بود که به زودی جان می‌گرفت: «کُمون مردگان یا مرثیه‌ای برای پیراهن خونی سوفیا»، رمان بلغاری فرید، که نمونه‌ی خوبی است از توانایی‌های تخیل او. درک فرید از بلغارستان حیرت‌آور است: عشق او به کشور و تاریخ بلغارستان، مانند عشق‌اش به همه‌ی ما، نویسندگانی که برای آنتولوژی‌اش ترجمه می‌کرد، انگار در رمان او تارِ جادویی نابی را می‌تند. برای نویسندگانی مثل او که هر ذره از وجودش با ادبیات می‌تپد، زمان و مکان محدودیت نیست؛ بلکه زمین‌های بازی‌ای است که همه‌ی ما می‌توانیم با هم آزادانه درشان پرسه بزنیم. امیدوارم من هم بتوانم رمان فرید را به بلغارستان، جایی که این رمان درش متولد شد، بازگردانم، با ترجمه‌ی آن برای تمام مردم بلغارستان، تا به این ترتیب پل‌هایی را بسازیم که همه‌ی ما خوانندگان بتوانیم روی‌شان قدم بزنیم و قهوه‌ای بنوشیم و از هر طرف مشغول بحث‌هایی الهام‌بخش بشویم.

و حالا، شما ترجمه‌ی فارسی کتاب من را در دست دارید... کار فرید ادبیات بلغارستان را در ایران معرفی کرده و سیلی از آثار نویسندگان معاصر ما را، که در

کشور شما کاملاً ناشناخته بودند، به فارسی به راه انداخته است. شگفت نیست که زبان چه کارها که نمی تواند بکند؟ گنجینه‌ی فرهنگِ بسیاری پسِ پشتِ زبان‌های خارجی پنهان شده است. و باز این زبان است که اگر به اشتراک گذاشته شود و مشترک بشود می تواند این گنج فرهنگ را دسترس پذیر کند. اگر بتوانیم زبان مشترکی پیدا کنیم، چنین زبان مشترکی همانا قوی ترین شکل باهم بودن است. شاید به همین دلیل است که من به نوشتن و ترجمه‌ی ادبی، که علاقه‌ی مشترک من و فرید است، ایمانی قوی دارم. هر زبان و فرهنگی حامل زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر است، و گاه همه چیز به گونه‌ای درهم تنیده می شود که می توان تمام جهان را همچون خانه‌ی خود حس کرد، وقتی می توان تمام جهان را در جهان ادبیات یافت: ناگهان ما دیگر چندان دور از هم نیستیم.

با همه‌ی این حرف‌ها، امیدوارم از خواندن رمان من لذت ببرید. از علاقه‌ی فرید به کارم بسیار متأثر شدم: باعث افتخار من است که کار من با ترجمه‌ی او منتشر می شود و از این طریق می توانم به طور غیر مستقیم از طریق صفحات کتابم با شما نیز آشنا شوم. کتاب‌ها ویژگی اسرار آمیزی دارند: شما را کفش به پا می قایند و به هر کجا که دل‌شان بخواهد می برند، حتا به کره‌ی شمالی و به دورانی سپری شده با انبوهی از نوجوانان رسوای بلغاری و سوسیالیست. اگر چه زمان و جغرافیا از نظر فیزیکی ما را از هم جدا می کند، باز آن قدر خوش شانس هستیم که دست کم میدان گسترده و نامحدود ادبیات ترجمه را داریم که می توانیم از طریق آن داستان‌ها، خاطرات، و تجربیات مان را به اشتراک بگذاریم؛ و در نهایت، همین لحظات ارزشمندند که حقیقت را می سازند.

ولینا مینکوف

پاریس، نوامبر ۲۰۲۱